

پژوهشهای علوم تاریخی، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

نوروز طبری و تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران

پدرام جم*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

(از ص ۴۳ تا ۶۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۲/۰۱

چکیده

برخی از چاپ‌های سنگی شرح بیست باب ملا مظفر گنابادی در شرح جشن آبریزان، افزوده‌اند که نوروز طبری نیز همین روز است. همین مطلب را در دست‌نویسی زرتشتی به تاریخ کتابت ۱۱۳۰ هـ ق می‌توان دید. در حالی که آبریزان تا نیمه نخست سده یازدهم هجری در زمان ورود خورشید به برج سرطان برگزار می‌شد، تصور وجود یک نوروز هم‌زمان با آبریزان، به نام نوروز طبری، به فرض وجود تقویمی/ تقویم‌هایی با سال ثابت (کبیسه‌دار) در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران انجامیده است. این مقاله، به ارزیابی اصالت متنی نوروز طبری در شرح بیست باب می‌پردازد و تقویم و موقعیت تقویمی نوروز و پنجه (خمسه مسترقه) را در تقویم رایج در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران مطالعه می‌کند. به علاوه، تحولات معاصر در تفسیر این تقویم محلی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: نوروز طبری، تقویم‌های محلی ایران، تقویم رایج در طبرستان، تقویم یزدگردی، خمسه مسترقه

* رایانامه نویسنده: jam1977@ferdowsi.um.ac.ir

۱. مقدمه

در باب پانزدهم برخی از چاپ‌های سنگی شرح بیست باب ملا مظفر گنابادی در ذکر ایام مشهور فرس و ذیل آبریزان آمده است: «آبریزان سیزدهم تیرماه بود و نوروز طبری همین روز است.» (چاپ‌های سنگی ۱۲۷۱، ۱۲۷۴ و ۱۲۸۲ ه‍.ق) نظیر همین مطلب، یعنی هم‌زمانی آبریزان و نوروز طبری را می‌توان در دست‌نویسی متعلق به اونوالا در فصلی با نام «چگونگی پدیدن آوردن ماهها و سالهای کیان و نهادن آینه‌ها و توقیعات مشهوره» دید (Unvala, p.206). این دست‌نویس قطعاتی از خرده اوستا، نیرنگ‌ها، آفرینگان، مینوی خرد و دبستان مازدیسنی را هم دربر دارد و کاتب آن، دستور رستم گشتاسپ اردشیر و تاریخ اتمام کتابت روز اشتاد (بیست‌وششم) آبان‌ماه ۱۰۸۷ یزدگردی (۲۱ جمادی‌الثانی ۱۱۳۰ هجری قمری / ۲۲ می ۱۷۱۸ میلادی) است. به نظر می‌رسد شرح بیست باب ملا مظفر خود از منابع این فصل دست‌نویس زرتشتی بوده است. تاریخ نگارش شرح بیست باب با توجه به ماده تاریخ «استکمل الکتاب»، سال ۱۰۰۵ ه‍.ق است.

آبریزان تا نیمه نخست سده یازدهم هجری در هنگام انقلاب تابستانی، یعنی اول ورود خورشید به برج سرطان، و از حدود اواسط نیمه نخست سده یازدهم در روز سیزدهم تیرماه جلالی برگزار می‌شد. به‌رغم آن‌که در منابع کهن تاریخی ذکری از نوروز طبری نیست، اما ادعای هم‌زمان بودن آبریزان و نوروز طبری، تصور وجود یک نوروز ثابت در فصل تابستان در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران را پدید آورده است. این تصور، فرض وجود تقویم‌هایی با سال ثابت با نام‌های «تقویم طبری»، «تقویم دیلمی»... را به‌دنبال داشته است.

۲. نوروز طبری و شرح بیست باب ملا مظفر

برخلاف چاپ‌های سنگی سال‌های ۱۲۷۱، ۱۲۷۴ و ۱۲۸۲ ه‍.ق، در دیگر چاپ‌های سنگی شرح بیست باب (سال‌های ۱۲۶۰، ۱۲۷۶ و ۱۲۹۸) جمله دوم پس از واو عطف - «نوروز طبری همین روز است» - وجود ندارد و بلافاصله پس از جمله نخست، وجه تسمیه آبریزان آمده است. در تمام چاپ‌ها وجه تسمیه آبریزان، آمدن باران و شادی از آمدن آن پس از چند سال خشکی در زمان ملوک عجم ذکر شده است (همان‌جا). مهم‌تر این‌که، در میان ۴۸ دست‌نویس شرح بیست باب که به رؤیت نویسندگان رسیده، تنها دست‌نویس ۶۷۹۸/۲ کتابخانه مجلس (کتابت ۱۱۱۷ ه‍.ق) جمله دوم را در متن شرح آبریزان دارد. در دست‌نویس ۲۶۲۱۶ (کتابخانه آستان قدس، تاریخ کتابت ۱۱۲۷ هجری) هم با قلمی متفاوت بر

روی «آبریزان» عبارت «و نوروز طبری» افزوده شده و در دست‌نویس ۶۸۵ (کتابخانه آستان قدس، تاریخ کتابت ۱۲۰۳ هجری) با قلمی متفاوت در حاشیه چپ صفحه آمده است: «نوروز طبری همین‌روز است». در دست‌نویس دیگری (۵۳۴۴، کتابت ۱۲۳۵ هق) هم جمله اخیر به آخر شرح آبانگاه که شرح آن پیش از آبریزان می‌آید، اضافه شده است! دیگر دست‌نویس‌ها (۴۴ دست‌نویس) از جمله پنج دست‌نویس کهن از سده یازدهم هجری - دست‌نویس‌های ۸۱۵۲۶۳ (کتابت ۱۰۳۱ هق)، ۱۰۸۴۵۹۱ (کتابت ۱۰۸۹ هق) متعلق به کتابخانه ملی، دست‌نویس‌های ۵۵۶۳ (کتابت ۱۰۳۶ هق)، ۱۵۹۷۰ (کتابت ۱۰۷۶ هق) متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی و دست‌نویس ۵۹۱ (کتابت ۱۰۴۴ هق) متعلق به کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد - جمله دوم پس از واو عطف را ندارند.^۱ بنابراین، با قضاوت بر اساس دست‌نویس‌ها، می‌توان گفت که این بخش در نسخه اصل شرح بیست باب نبوده است. ظاهراً ابتدا متفنی در نسخه خود نوروز طبری را بر شرح آبریزان حاشیه‌نویسی کرده و بعد هم کاتبی در هنگام کتابت از روی این نسخه، آن را به متن برده است.

از آنجا که فعلاً سنجش یکایک نسخه‌های پرشمار خطی شرح بیست باب ممکن نیست، تاریخ کتابت دست‌نویس ۶۷۹۸/۲ کتابخانه مجلس، یعنی ۱۱۱۷ هجری را باید قدیم‌ترین تاریخی دانست که ذکر نوروز طبری را به میان آورده‌اند و آن را جزو ایام مشهور و هم‌زمان با آبریزان دانسته‌اند. ظاهراً نسخه‌ای از شرح بیست باب که هم‌زمانی آبریزان و نوروز طبری را داشته، خود از مآخذ فصل ذکر شده دست‌نویس زرتشتی بوده است. نوروز طبری به واسطه آن دسته از چاپ‌های سنگی شرح بیست باب که نوروز طبری را در شمار ایام مشهور و برابر با آبریزان آورده‌اند و یا از طریق ترجمه انگلیسی فصل «ماهها و سالهای کیان...» در یادنامه / شپیگل، به تحقیقات معاصر (تقی‌زاده، گاه‌شماری در ایران قدیم، صص ۱۹۱-۱۹۲؛ کیا، واژه‌نامه طبری، صص ۲۴۸؛ کیا، ماه، صص ۶؛ معین در حاشیه برهان قاطع، صص ۷، یادداشت ۱؛ روح‌الامینی، صص ۱۰۸؛ رضاداده ملک، در معرفت تقویم، صص ۱۴۲، ۱۵۹؛ قاسملو، صص ۷۵؛ همچنین ن.ک. هاشم بن نورالدین، صص ۸۸) راه یافته است.

۳. تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران

ادعای هم‌زمانی آبریزان با نوروز طبری مایه شگفتی است؛ چراکه آبریزان جشنی فصلی و ثابت بود که از دوره ساسانیان تا نیمه نخست سده یازدهم هجری در موعده انقلاب تابستانی برگزار می‌شد (ن.ک: جم، صص ۳۷-۴۵). درحالی‌که بنا بر شواهد تاریخی، نوروز تقویم رایج در طبرستان، چه پیش از سده دوازدهم هجری، یعنی زمانی که برای

نخستین بار ذکر نوروز طبری آمده است و چه پس از آن، همواره سیّار بوده و با نوروز تقویم یزدگردی موافقت کامل داشته است. برای مثال، سید ظهیرالدین مرعشی که نگارش تاریخ گیلان و دیلمستان را از سال ۸۸۰ هجری آغاز کرد، به نوروزی که در سال ۸۸۱ هجری واقع شد اشاره کرده است و اگرچه تاریخ برابر با آن را نیاورده، اما بیست و دوم اسفندماه (متن: اسفندیارماه) پیش از آن را برابر با روز جمعه بیستم رجب [هشتم نوامبر ۱۴۷۶ (ژولین)] ذکر کرده، و شب یکشنبه سیزدهم شعبان [یکم دسامبر ۱۴۷۶ (ژولین)] را موافق پانزدهم فروردین آورده است (ظهیرالدین مرعشی، ص ۳۸۶). بنابراین، نوروز تقویم کرانه‌های دریای مازندران در آن سال با نوروز یزدگردی، برابر با هفدهم نوامبر (ژولین) / بیست و ششم نوامبر (گرگوری)، موافقت داشته است.

ملا عبدالفتاح فومنی نیز که در سده یازدهم هجری وقایع گیلان از سال ۹۲۳ تا ۱۰۳۸ هجری را به نگارش درآورد، اواخر اسفندیارماه (اسفند) و اوایل نوروزماه (فروردین) سال ۱۰۰۳ هجری را برابر با صفر آورده است (فومنی، ص ۱۷۱) که این نکته نیز نشان می‌دهد که نوروز تقویم کرانه‌های دریای مازندران، چه پیش از سده یازدهم هجری و چه پس از آن، همواره با نوروز تقویم یزدگردی موافقت داشته است. جدول ۱ موقعیت نوروز را در تقویم یزدگردی و تقویم رایج در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران نسبت به فصل‌های چهارگانه و برج‌های دوازده‌گانه از زمان سقوط ساسانیان تا روزگار حاضر نشان می‌دهد.

جدول ۱: موقعیت نوروز در تقویم یزدگردی و تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران

یزدگردی	هجری قمری	میلادی		
۱۱۸-(۱۴)	۱۳۱-(۴)	۷۴۹-۶۱۸	جوزا (۳۲ روز)	بهار
۲۴۶-۱۱۹	۲۶۳-۱۳۲	۸۷۷-۷۵۰	ثور (۳۱ روز)	
۳۷۴-۲۴۷	۳۹۵-۲۶۴	۱۰۰۵-۸۷۸	حمل (۳۱ روز)	
۴۹۹-۳۷۵	۵۲۴-۳۹۶	۱۱۲۰-۱۰۰۶	حوت (۳۰ روز)	زمستان
۶۲۲-۵۰۰	۶۵۰-۵۲۵	۱۲۵۳-۱۱۳۱	دلو (۳۰ روز)	
۷۴۲-۶۲۳	۷۷۴-۶۵۱	۱۳۷۲-۱۲۵۴	جدی (۲۹ روز)	
۸۶۲-۷۴۳	۸۹۸-۷۷۵	۱۴۹۲-۱۳۷۳	قوس (۲۹ روز)	پاییز
۹۸۶-۸۶۳	۱۰۲۵-۸۹۹	۱۶۱۶-۱۴۹۳	عقرب (۳۰ روز)	
۱۱۱۰-۹۸۷	۱۱۵۳-۱۰۲۶	۱۷۴۰-۱۶۱۷	میزان (۳۰ روز)	
۱۲۳۸-۱۱۱۱	۱۲۸۵-۱۱۵۴	۱۸۶۸-۱۷۴۱	سنبله (۳۱ روز)	تابستان
۱۳۶۶-۱۲۳۹	۱۴۱۷-۱۲۸۶	۱۹۹۶-۱۸۶۹	اسد (۳۱ روز)	
۱۴۹۴-۱۳۶۷	۱۵۴۹-۱۴۱۸	۲۱۲۴-۱۹۹۷	سرطان (۳۱ روز)	

درحقیقت، سال تقویم رایج در طبرستان که ادامه تقویم دوره ساسانی بود همانند آن تقویم، دوازده ماه سی‌روزه داشت به‌علاوه پنجه (خمسه مسترقه). این تقویم به‌سبب عدم محاسبه کسر مازاد سال، در هر چهارسال یک روز نسبت به فصول چهارگانه عقب می‌افتاد. در تقویم دوره ساسانی به منظور برگزاری جشن‌ها و آیین‌های فصلی، پنجه را

در هر ۱۲۰ سال یک ماه جابه‌جا می‌کردند تا حد فاصل فصل بهار و زمستان باشد و بر مبنای پنجه، موعد جشن‌های فصلی را اندازه می‌گرفتند. در آخرین تغییر موضع در دوره ساسانی، پنجه به آخر آبان منتقل شده بود، اما از آنجا که تغییر موضع پنجه به فرمان شاهان و با مشارکت شمارگران و کاتبان و مورخان و و راویان و همکاری انجمن هیربدان و قضات صورت می‌گرفت (ن.ک. بیرونی، ۱۳۸۰: ۵۳)، پس از سقوط ساسانیان این جابه‌جایی متوقف ماند. چنان‌که تا سال ۳۷۵/۳۷۸ یزدگردی^۲ پنجه در همه‌جا در آخر آبان باقی ماند. در این زمان که آغاز فروردین دوباره با اعتدال بهاری یکی شده بود، در قلمرو آل‌بویه پنجه را به یک‌باره از آخر آبان به آخر اسفند بردند. اما در دیگر نقاط ایران، از جمله کرانه‌های دریای مازندران، از این اصلاح تقویمی پیروی نکردند (کوشیار در: باقری، صص ۳۶-۳۷) و پنجه تا عصر حاضر در آن نواحی در آخر آبان باقی ماند.

شواهد تقویمی کرانه‌های دریای مازندران به وضوح نشان می‌دهند که پنجه همواره در آخر آبان ماه تقویم محلی قرار داشته و هرگز نسبت به فصول سال ثابت نبوده است. ظهیرالدین مرعشی در سه-چهار موضع نیز به خمسه مسترقه تقویم کهن طبرستان اشاره کرده و تاریخ‌های برابر با آن را به‌دست داده است. در میان آنها برابری جمعه بیست و یکم رجب سال ۸۹۲ هجری با اول خمسه مسترقه، به لحاظ هم‌زمانی با زمانه مؤلف، اهمیت بیشتری دارد (ظهیرالدین مرعشی، ص ۴۶۳). تاریخ ذکر شده موافق با سیزدهم ژوئیه ۱۴۸۷ میلادی (ژولین) بود و با اول آذرماه تقویم یزدگردی در آن نواحی که پنجه را به آخر اسفند انتقال داده بودند، برابری می‌کرد. دو برابری دیگری که ظهیرالدین مرعشی برای پنجه به‌دست داده است دقت لازم را ندارند، اما به‌طور کل موضع پنجه را در آخر آبان تأیید می‌کنند.^۳ در حدود ۱۳۰ سال بعد عبدالفتاح فومنی نیز در ماجرای دستگیری بهزادبیگ در سال ۱۰۲۱ هجری، از سودجستن شاه عباس از فرصت «سیر پنجک دریای فرضه رودسر» در فصل تابستان یاد می‌کند. شاه فرمان داد «تمامی مردم گیلانات از اعیان و ارباب و سادات و قضات و اهالی و موالی، به دستوری که در زمان حکام سابق گیلان، به سیر پنجک، کنار دریای رودسر می‌آمدند به همان طریق و قانون حاضر شوند» (فومنی، ص ۲۰۵). در نسخه چاپی تاریخ گیلان، تاریخ رسیدن شاه عباس به کنار دریای رودسر روز دوشنبه بیستم ربیع‌الاول قید شده که باید به «بیستم ربیع‌الثانی» تصحیح شود (ن.ک: همچنین رضازاده ملک، پژوهش تقویم‌های ایرانی، ص ۲۴۰). در سال ۱۰۲۸ هجری نیز شاه عباس پس از آن‌که در اول بهار از اصفهان روانه

مازندران شد و در آنجا به سیر و شکار پرداخت، هنگامی که «هوا گرم شده بود» در فرح‌آباد (مازندران) به پنجه مشغول شد (میرتیمور مرعشی، ص ۳۶۱). بدین ترتیب، معلوم است که پنجه در ۱۲۹ سالی که از زمان گزارش ظهیرالدین مرعشی تا زمان گزارش فومنی گذشته بود ۳۱ روز جابه‌جا شده بود.

در سال‌های ۹۷۳-۹۷۶ یزدگردی برابر با ۱۰۱۳-۱۰۱۶ هجری قمری، نخستین روز پنجه با روز نخست برج سرطان یا تیرماه جلالی (به حساب ماه‌های برجی) برابری می‌کرد. پس از آن، تا سال‌های ۹۹۰-۹۹۳ یزدگردی برابر با ۱۰۳۰-۱۰۳۳ هجری قمری که آخرین روز پنجه با نخستین روز برج سرطان برابر بود، یکی از روزهای پنجه با آبریزان هم‌زمان بود. درحقیقت، تنها تفاوت تقویم رایج در طبرستان با تقویم یزدگردی در موضع پنجه بود. تمامی روزهای دو تقویم تا آخر آبان‌ماه با یکدیگر موافقت کامل داشتند، اما روزهای نخست تا پنجم آذرماه تقویم یزدگردی با پنجه تقویم طبرستان برابری می‌کرد و از آن به بعد، تقویم یزدگردی پنج روز پیشتر از تقویم طبرستان بود تا آن که پس از آخرین روز اسفندماه تقویم یزدگردی پنجه در آن تقویم شروع می‌شد و نخستین روز پنجه تقویم یزدگردی با روز بیست و ششم تقویم طبرستان و آخرین روز پنجه یزدگردی با روز سی‌ام تقویم طبرستان برابری می‌کرد. در نهایت، دوباره نوروز و روزهای پس از آن تا آخر آبان‌ماه تقویم یزدگردی با نوروز و روزهای متناظر تا آخر آبان‌ماه تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران موافقت می‌کرد.^۴ جدول ۲ موقعیت پنجه را در تقویم رایج در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران از زمان سقوط ساسانیان تا عصر حاضر نشان می‌دهد.

میلادی	هجری قمری	یزدگردی		
۷۳۷-۶۱۴	۱۱۹-(۸)	۱۰۵-(۱۹)	دلو (۳۰ روز)	زمستان
۸۵۶-۷۳۸	۲۴۲-۱۲۰	۲۲۵-۱۰۶	جدی (۲۹ روز)	
۹۷۶-۸۵۷	۳۶۶-۲۴۳	۳۴۵-۲۲۶	قوس (۲۹ روز)	پاییز
۱۱۰۰-۹۷۷	۴۹۳-۳۶۷	۴۶۹-۳۴۶	عقرب (۳۰ روز)	
۱۲۲۳-۱۱۰۱	۶۲۰-۴۹۴	۵۹۲-۴۷۰	میزان (۳۰ روز)	
۱۳۵۱-۱۲۲۴	۷۵۲-۶۲۱	۷۲۰-۵۹۳	سنبله (۳۱ روز)	تابستان
۱۴۷۹-۱۳۵۲	۸۸۴-۷۵۳	۸۴۸-۷۲۱	اسد (۳۱ روز)	
۱۶۰۷-۱۴۸۰	۱۰۱۶-۸۸۵	۹۷۶-۸۴۹	سرطان (۳۱ روز)	
۱۷۴۰-۱۶۰۸	۱۱۵۲-۱۰۱۷	۱۱۰۹-۹۷۷	جوزا (۳۲ روز)	بهار
۱۸۶۸-۱۷۴۱	۱۲۸۳-۱۱۵۳	۱۲۳۷-۱۱۱۰	ثور (۳۱ روز)	
۱۹۹۶-۱۸۶۹	۱۴۱۵-۱۲۸۴	۱۳۶۵-۱۲۳۸	حمل (۳۱ روز)	
۲۱۲۰-۱۹۹۷	۱۵۴۴-۱۴۱۶	۱۴۸۹-۱۳۶۶	حوت (۳۰ روز)	زمستان

جدول ۲. موقعیت روز نخست پنجه در تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران

۴. مسئله نوروز طبری

چنان‌که دیده می‌شود، فرض وجود یک نوروز طبری ثابت نسبت به فصول چهارگانه سال و هم‌زمان با آبریزان، یعنی در آغاز تابستان، خطایی آشکار است.^۵ منشأ این خطا را می‌توان در گزارش‌های مورخان دربار صفوی یافت. اسکندربیک ترکمان درباره برگزاری مراسم پنجه در طبرستان در سال ۱۰۲۱ هجری چنین می‌نویسد:

«و حضرت اعلی شاه‌ی ظل‌اللهی بدستور ولایت بهشت‌آسای مازندران کامیاب دولت بودند و چون فصل نشاط‌افزای بهار سپری گشته هوای آن دیار روی به گرمی نهاد اراده تماشای جشن و سور و عشرت و سرور پنجه که معتاد مردم گیلان است از خاطر خطیر سر زد رسم مردم گیلان است که در ایام خمسه مسترقه هر سال که بحساب اهل تنجیم آن ملک بعد از انقضای سه ماه بهار قرار داده‌اند و در میانه اهل عجم روز آب‌پاشان است بزرگ و کوچک و مذکر و مؤنث به کنار دریا آمده در آن پنجروز بسور و سرور می‌پردازند و همگی از لباس تکلیف عریان گشته هر جماعت با اهل خود به آب درآمده با یکدیگر آب‌بازی کرده بدین طرب و خرمی می‌گذرانند و الحق تماشای غریبی است.» (ترکمان، ص ۸۵۳).

از گزارش بالا برمی‌آید که اسکندربیک از سیار بودن سال تقویم رایج در طبرستان آگاهی نداشته و تصور می‌کرده که پنجه همواره پس از پایان فصل بهار واقع می‌شده است. درحقیقت، همان‌طور که گفته شد، در خلال سال‌های ۱۰۱۳ تا ۱۰۳۳ هجری پنجه تقویم طبرستان با آبریزان هم‌زمان شده بود. در روزهای پنجه مردم سواحل دریای مازندران به کنار دریا می‌آمدند و به آب‌بازی و شادی می‌پرداختند.^۶ از روزگاران کهن در جشن آبریزان در آغاز تابستان نیز که در برخی از نواحی همچون اصفهان برگزار می‌شد مردم به یکدیگر آب می‌پاشیدند.^۷ مشابهت آداب و رسوم پنجه و آبریزان و قیاس نابجای تقویم رایج در طبرستان با تقویم جلالی که پنجه آن در آخر اسفندماه واقع می‌شد و به نوروز جلالی پیوسته بود، این تصور را برای ناآشنایان با تقویم رایج در طبرستان پدید آورد که در طبرستان نیز نوروز بلافاصله پس از پنجه واقع می‌شود و در تابستان و هم‌زمان با آبریزان است.

گزارش‌واله اصفهانی درباره به تماشای پنجک رفتن شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) در همان سال، اشتباه مورخان دربار صفوی را بیشتر آشکار می‌کند:

«بعد از انقضای آن جشن ارم‌نگار (= نوروز سلطانی) و انصرام ایام بهار که هوای آن دیار با شاهدان گلستان از در گرمی درآمد تماشای جشن پنجک گیلانیان و نشاط شکار و سیر متنزهات دیار گیلان از دارالسلطنه فرح‌آباد عنان عزیمت به صوب آن ولایت انعطاف دادند و رسم دیرین مردم آن سرزمین در جشن مسرت‌قرین پنجک آنست که چون سه ماه بهار در آن

دیار به پایان رسیده هوا آغاز گرمی می‌نماید به‌زعم منجمان آن دیار پنج روز ازان ایام را خمه مسترقه نام نهند و دران پنج روز ابواب خوشدلی و شادمانی بر روی روزگار خود گشوده از منازل و مساکن خود رخت اقامت به کنار دریا کشند و عموم مردمان از مرد و زن و خرد و بزرگ و پیر و جوان با یکدیگر از در آب‌بازی درآمد از لباس خودداری عریان و دران بحر پر شور و شر شناور گردند و هر روز ازان پنج روز را در میان خود نمونه شب عید نوروز شمرده به جز گرم کردن هنگامه عیش و نشاط به کار دیگر نپردازند» (واله اصفهانی، برگ ۳۱۷).^۸

در نهایت، متفنی با ملاحظه آثار مورخان دربار صفوی، به تصور هم‌زمان بودن نوروز کرانه‌های دریای مازندران با آبریزان، آن را به نام نوروز طبری در حاشیه شرح آبریزان در شرح بیست باب ملا مظفر افزوده است.

چنان‌که ذکر شد، تا پیش از سده دوازدهم هجری نامی از نوروز طبری در منابع دیده نمی‌شود. اثری از تقویمی مستقل در طبرستان به نام «تقویم طبری» نیز در منابع نمی‌توان یافت. نخستین کاربرد اصطلاح اخیر، چنان‌که رضازاده ملک (تقویم مازندرانی: صص ۸۲۷-۸۲۸) نیز پیشتر اشاره کرده، مربوط به سده اخیر است. این اصطلاح محصول این تصور است که نوروز طبری، فرض وجود تقویمی به نام «تقویم طبری» را الزامی می‌کند. در متون کهن، تقویم کرانه‌های دریای مازندران به نام «فُرس قدیم» معرفی شده است. نوروز و خمه مسترقه این تقویم را برای تمایز آنها از نوروز و خمه مسترقه تقویم جلالی/سلطانی، «نوروز قدیم» و «خمه مسترقه قدیم» نامیده‌اند و برای تمایز ماه‌ها، صفت «قدیم» را به نام ماه‌ها (فروردین‌ماه قدیم،...) افزوده‌اند.^۹ اسامی ماه‌ها یا به صورت معمول آنها در تقویم یزدگردی آمده، یا همان فرم‌ها اما تا حدی متأثر از فرم‌های گویشی، و یا ندرتاً فرم‌های گویشی آنها (مثلاً در دو برگ از دست‌نویس شماره ۱۲۷ کتابخانه مغنیا به تاریخ ۹۰۳ ه‍.ق؛ ن.ک: ذبیحی، برگی از تاریخ گیلان) ضبط شده است.^{۱۰} حتی امیر تیمور قاجار در نصاب طبری که آن را در زمان محمدشاه قاجار نگاشته و در بخشی از آن، اسامی ماه‌های تقویم رایج در طبرستان را با فرم‌های گویشی آنها آورده، آنها را «اسامی ماه فُرس» نامیده است (امیر تیمور قاجار در: کیا، واژه‌نامه طبری، ص ۴۴).

۵. نفوذ تقویم جلالی و تقویم جدید ایران بر تقویم کرانه‌های دریای مازندران

با اصلاح تقویم در دوره ملک‌شاه سلجوقی و ابداع تقویم جلالی (۴۷۱ ه‍.ق)، زمان برگزاری نوروز (اول فروردین‌ماه)، با اعمال کبیسه، در اعتدال بهاری (ورود خورشید به اولین درجه برج

حمل) تثبیت شد. در تقویم جدید ایران نیز که در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید، با اعمال کبیسه، نوروز در زمان اعتدال بهاری قرار گرفت. در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران تا سده اخیر تقویم قدیم کم و بیش به اعتبار خویش برقرار بود و در آن، به تبع سال سیار، نوروز و پنجه نیز سیار بود. اما در برخی مناطق، به خصوص مازندران، به رغم رواج نسبی تقویم قدیم، تقویم جلالی در گذشته، و تقویم جدید ایران در دوران اخیر، نفوذی آشکار در تقویم محلی داشته‌اند. در این نواحی نوروز جلالی (سلطانی) جایگزین نوروز قدیم شده است و بدون ملاحظه ماه‌های تقویم قدیم، در موضع فصلی خود، یعنی آغاز بهار، برگزار می‌شود (کیا، واژه‌نامه طبری، ص ۲۴۸؛ تقی‌زاده، گاه‌شماری در ایران قدیم، یادداشت مربوط به صفحه ۲ به نقل از موسی نثری همدانی؛ پورکریم، مراسم عید نوروز و جشن‌های باستانی در یکی از دهکده‌های مازندران، صص ۲۲-۲۳؛ پورکریم، آلاشت، صص ۶۵، ۸۴؛ برجیان، ص ۷۴). برای نمونه، عید نوروز جلالی (اول بهار) در سال ۱۳۳۹ با بیست و سوم آبان‌ماه قدیم (تقی‌زاده، بیست مقاله تقی‌زاده، ص ۳۹۶ به نقل از پرویز ناتل خانلری) و در سال ۱۳۴۱ (یوش، مازندران) نیز با بیست و سوم آبان‌ماه قدیم (طاهباز، ص ۶۴)، در سال ۱۳۴۵ (سما، مازندران) با بیست و چهارم و در سال ۱۳۴۷ با بیست و پنجم آبان‌ماه قدیم (پورکریم، مراسم عید نوروز و جشن‌های باستانی در یکی از دهکده‌های مازندران، ص ۲۴) و در اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی (دهستان اسپورد - شوراب، مازندران) با اوایل آذرماه قدیم (برجیان، ص ۷۴) برابر بوده است. این تحول را در برخی از کوهپایه‌های جنوبی البرز نیز می‌توان دید؛ برای نمونه، در سنگسر و روستای چاشم در شمال آن، نوروز تقویم هجری شمسی جایگزین نوروز قدیم شده است و بنابراین نوروز نسبت به فصول سال موضع ثابتی دارد، در حالی که در ماه‌های تقویم محلی گردش می‌کند.^{۱۱}

اما دامنه نفوذ تقویم جلالی و تقویم جدید ایران به نوروز اعتدالی محدود نمانده است. پاره‌ای از آیین‌ها و مراسم مرتبط با نوروز، همچون چهارشنبه‌سوری و سیزده‌بدر هم در همان موضع فصلی تقویم جدید ایران برگزار می‌شوند. تأثیر و نفوذ این تقویم‌ها در مقیاسی محدودتر، در برخی مناطق همچون دیلمان،^{۱۲} موجب انتقال پنجه و هم‌زمان شدن آن با پنج روز نخست فروردین‌ماه جلالی و هجری شمسی^{۱۳} و تثبیت آن در آغاز این ماه (ن.ک. مظفری، ورف‌نما، ص ۲؛ فلاح، ص ۱۶۳) شده است.^{۱۴} هدف از این جابه‌جایی، تطبیق تقویم محلی با تقویم جلالی از طریق هم‌زمانی روز نخست پنجه - که در این نواحی به نام «روز سلطان» شناخته می‌شود - با نوروز جلالی است که در همین نواحی از دیرباز به نام «نوروز سلطان» معروف است. به علاوه، هماهنگی با سال‌های کبیسه‌دار

هجری شمسی، در نواحی معدودی یک روز به پنجه می‌افزایند که این عمل موجب تثبیت نوروز قدیم در فصل تابستان شده است. نفوذ تقویم رسمی را همچنین می‌توان در تثبیت برخی از مناسبت‌های آیینی تقویم کهن در تقویم جدید، مثلاً برگزاری تیرماسیزه در روز ۱۳ آبان‌ماه هجری شمسی (روح‌الامینی، ص ۱۰۹؛ برجیان، ص ۷۵)، و در تطبیق گهگاهی ماه‌های تقویم محلی با ماه‌های هجری شمسی دید؛ برای نمونه، در بندبن و چوشل آذرماه قدیم (سیاما) با فروردین‌ماه هجری شمسی، دی‌ماه قدیم (دیرما) با اردیبهشت‌ماه هجری شمسی و... برابر گزارش شده،^{۱۵} و در علی‌آباد فریم آبان‌ماه قدیم (اَنه‌ما) با فروردین‌ماه هجری شمسی، آذرماه قدیم (اَرکه‌ما) با اردیبهشت‌ماه هجری شمسی و... برابر گزارش شده است (ستوده، لهجه علی‌آباد فریم).

باین‌حال، گزارش‌های تقویم محلی نشان می‌دهد که افزودن یک‌روز به پنجه عمومیت ندارد و در بسیاری از نواحی ناشناخته است. گذشته از آن، تاریخ مورد توافقی برای برابری نوروز تقویم محلی و تقویم هجری شمسی وجود ندارد. برای مثال، نوروز تقویم محلی نواحی کوهستانی گیلان که به نام «نوروز دیلمی» و «نوروز گالشی» معرفی شده، به تفاوت برابر با هفدهم مردادماه هجری شمسی (هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، ص ۹۵؛ هومند، یادداشتی کوتاه درباره آغاز نوروز دیلمی و جشن تیرگان تیرماه سیزده، ص ۱۰)، پانزدهم/نیمه مردادماه هجری شمسی (عمادی، واژه‌هایی از گاهشماری کهن دیلمی، ص ۵۹۷؛ عمادی، گاهشماری کهن دیلمی یا تقویم پیش از زردشتی، ص ۳۲۵؛ عمادی، نوروز بل دیلمی، ص ۴۷؛ پاینده لنگرودی، آئینها و باورداشتهای گیل و دیلم، صص ۱۳۲-۱۳۳؛ عباسی، صص ۱۴۳-۱۴۴) و چهاردهم مردادماه هجری شمسی (مظفری، گاهشماری گیلان، صص ۴۰۲، ۴۱۱) ذکر شده است. پنجه نیز به اختلاف در میان گالشان سیزدهم تا هفدهم فروردین‌ماه هجری شمسی (مظفری، تقویم گیلانی یک زیاد یا کیسه، ص ۲)، در ماچیان (شرق گیلان) پس از پایان اول‌ما (آبان‌ماه) که ماه آخر زمستان ذکر شده است (فرض‌پور ماچیان، صص ۲۹۰-۲۹۱)، در سنگسر یازدهم تا پانزدهم فروردین‌ماه هجری شمسی^{۱۶} (اعظمی سنگسری، گاهنمای سنگسری، ص ۲۴۸) و در طالقان بیست و یکم تا بیست و پنجم فروردین‌ماه هجری شمسی^{۱۷} (وکیلیان، ص ۲۷۱) گزارش شده است.^{۱۸}

۶. تفاسیر جدید: تقویم‌های مستقل و مبادی باستانی!

اهمیت و دامنه تحولات اخیر، یعنی جابه‌جایی پنجه و افزودن یک روز به آن، به درستی شناخته نشده است. فرض وجود یک نوروز ثابت در فصل تابستان با نام نوروز طبری از

یک سو، و کهن پنداشتن موقعیت پنجه در آغاز فروردین‌ماه هجری شمسی و یک روز اضافی در سال‌های کبیسه از سوی دیگر، به تصور نادرست وجود تقویم‌های کهن کبیسه‌دار (عمادی، واژه‌هایی از گاهشماری کهن دیلمی، صص ۵۹۸، ۶۱۱؛ عمادی، گاهشماری کهن دیلمی یا تقویم پیش از زردشتی، صص ۳۲۵؛ عمادی، گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان دریای مازندران، صص ۷۷۹-۷۸۰؛ هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، صص ۵۶-۵۷؛ هومند، یادداشتی کوتاه درباره‌ی آغاز نوروز دیلمی و جشن تیرگان تیرماه سیزده، صص ۱۱؛ پورهادی، صص ۳۵) به نام‌های «تبری» (طبری) (هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، صص ۵۷-۶۸)، «دیلمی» و «گیلانی باستان» دامن زده است (عمادی، جشن آفریجگان اصفهان، صص ۶۵۸-۶۵۹؛ عمادی، گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان دریای مازندران، صص ۷۷۸، ۷۸۰؛ عمادی، نوروز بل دیلمی، صص ۴۷؛ هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، صص ۵۶-۵۷، ۶۹-۷۲). برای این تقویم‌های کبیسه‌دار، نوروزهای ثابتی ادعا شده است که محصول تفسیر نادرست تحولات به‌وجود آمده در تقویم‌های محلی در اثر نفوذ تقویم جلالی و تقویم رسمی جدید ایران است. نوروز ثابت ادعا شده در دیلمان، یعنی اواسط مردادماه هجری شمسی، نفوذ تقویم جدید ایران را از دهه ۱۳۲۰ هجری شمسی بر تقویم محلی نشان می‌دهد. نوروز قدیم در سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۱ هجری شمسی با پانزدهم مردادماه هجری شمسی برابر بود. این به آن معناست که با فرض برگزاری نوروز قدیم پس از ۱۳۲۱ هجری شمسی در پانزدهم مردادماه، نفوذ تقویم رسمی ایران بر تقویم محلی با افزودن یک روز به پنجه هماهنگ با سال‌های کبیسه‌دار تقویم رسمی پس از سال ۱۳۲۱ ثابت می‌شود.

در مقابل، نوروز ثابت ادعا شده برای مازندران، یعنی دوم مردادماه (هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، صص ۶۱، ۷۴؛ همچنین Cristoforetti, Nowruz iii. In the Iranian Calendar)، نتیجه تفسیر نادرست تطبیق ماه‌های تقویم محلی با تقویم رسمی ایران و انتقال پنجه به اول فروردین‌ماه هجری شمسی است.

در تحولی متأخر، برای این تقویم‌ها مبادی جداگانه‌ای در نظر گرفته‌اند که به روزگار پیش از سقوط ساسانیان می‌رسد (هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، صص ۵۶، ۹۶).^{۱۹} این تحول اخیر، حلقه پایانی زنجیره‌ای از اشتباهات و سوء‌تعبیرهاست که با تصور یک نوروز ثابت در فصول چهارگانه به نام نوروز طبری آغاز شده است.

۷. نتیجه

در سال‌های ۱۰۱۳ تا ۱۰۳۳ هجری خمسۀ مسترقۀ تقویم رایج در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران با آبریزان که برگزاری آن در آغاز تابستان در بعضی مناطق ایران همچون اصفهان مرسوم بود، هم‌زمان شد. از آنجا که خمسۀ مسترقۀ تقویم جلالی و نیز تقویم یزدگردی رایج در نواحی خارج از کرانه‌های جنوبی دریای مازندران و کوهپایه‌های جنوبی البرز (طالقان، سنگسر)، به آخر اسفندماه می‌افتاد و نوروز آن تقویم‌ها بلافاصله پس از خمسۀ برگزار می‌شد، با قیاس نابجای تقویم رایج در کرانه‌های دریای مازندران و تقویم جلالی و با این تصور نادرست که نوروز طبرستان بلافاصله پس از خمسۀ مسترقه قرار دارد، آن را هم‌زمان با آبریزان تصور کردند و نام نوروز طبری به آن نهادند. این پندار نادرست، در فرآیند استنساخ شرح بیست باب ملا مظفر گنابادی به نسخ خطی جدیدتر افزوده شد و با چاپ‌های سنگی شرح بیست باب بر اساس دست‌نویسی که این تصرف در آن اعمال شده بود، شهرت یافت. در نیم‌قرن اخیر فرض نادرست یک نوروز ثابت در فصل تابستان به نام نوروز طبری، و تحولاتی که ناشی از نفوذ تقویم رسمی ایران در تقویم محلی بوده است، موجب فرض وجود تقویم‌های مستقل کیبسه‌داری با نام‌های «تقویم طبری» و «تقویم دیلمی/گیلکی» شده است.

پی‌نوشت

۱. دست‌نویس‌های دیگر که این مطلب را ندارند، چنین‌اند: کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۶۹۱۸/۱ (کتابت ۱۱۹۸ ه.ق)، ۱۶۲۳۷ (۱۲۲۰ ه.ق)، ۶۲۰۵ (۱۲۲۲ ه.ق)، ۱۵۷۰۱ (۱۲۳۱ ه.ق)، ۱۴۸۳۷/۱ (۱۲۴۵ ه.ق)، ۷۷۰ (بدون تاریخ کتابت، از سده ۱۲ ه.ق)، ۱۱۲، ۶۸۰۰، ۴۰۹/۲ (سه نسخه اخیر تاریخ کتابت ندارند، از سده ۱۳ ه.ق)، و ۳۱۴۹ (بدون تاریخ کتابت)؛ کتابخانه ملی: ۱۸۱۶۲۸۵ (۱۱۲۹ ه.ق)، ۲۳۲۰۹۱۶ (۱۲۰۹ ه.ق)، ۸۱۵۵۰۴ (۱۲۲۱ ه.ق)، ۸۱۷۰۴۲ (۱۲۳۱ ه.ق)، ۱۵۲۳۳۱۳ (۱۲۳۹ ه.ق)، ۱۱۴۳۸۷۸ (۱۲۴۶ ه.ق)، ۸۱۶۹۰۷ (۱۲۵۹ ه.ق)، ۱۲۷۴۷۶۳ (۱۲۶۲ ه.ق)، ۱۱۷۱۸۴۶ (۱۲۶۶ ه.ق)، ۱۰۷۷۵۵۰، ۱۲۷۹۳۱۸، ۸۱۶۸۶۱، ۸۱۵۷۰۲، ۸۱۶۰۱۷، ۱۱۰۶۱۱۶، ۸۱۵۲۶۶، ۱۰۷۷۴۸۴ و ۸۱۵۲۹۱ (ده نسخه اخیر تاریخ کتابت ندارند)؛ کتابخانه آستان قدس رضوی: ۳۶۸ (۱۱۱۱ ه.ق)، ۲۲۷۷۱ (۱۲۰۳ ه.ق)، ۵۵۶۴ (۱۲۱۶ ه.ق)، ۱۵۱۱۰ (۱۲۲۲ ه.ق)، ۵۳۴۳ (۱۲۳۲ ه.ق)، ۵۷۳ (۱۲۴۵ ه.ق)، ۷۵۲ (۱۲۶۸ ه.ق)، ۸۶۴۵ (بدون تاریخ کتابت)؛ کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد: ۶۳۶ (۱۲۵۲ ه.ق)؛ کتابخانه دانشگاه لایپزیگ: Cod. Pers. 38 (بدون تاریخ کتابت).

۲. زیج جامع کوشیار تاریخ ۳۷۵ یزدگردی دارد (کوشیار در Bagheri, Arabic Text, p. 10). در تنها دست‌نویس ترجمۀ کهن فارسی که محمد بن عمر بن ابی‌طالب (۴۸۳ ه.ق) از مقاله اول زیج

جامع به عمل آورده، تاریخ ۳۵۵ آمده (کوشیار در: باقری، ۱۳۸۷: ۳۶) که بی‌تردید اشتباه است. بنا بر گئورگ خروسکوکس، در سال ۳۷۸ یزدگردی آغاز سال پارسیان با ورود خورشید به برج حمل مقارن بود (ن.ک: Gray, p.171).

۳. ظهیرالدین مرعشی (ص ۲۴۸) بیستم ربیع‌الاول سال ۸۴۶ هجری را موافق با اول خمسۀ مستترقه قدیم ذکر می‌کند، درحالی‌که این تاریخ برابر با روز نخست پس از خمسۀ مستترقه بود. او روز چهارشنبه بیستم جمادی‌الآخر را هم موافق با دوم خمسۀ مستترقه سال ۸۸۹ هجری (ص ۴۴۷) یاد می‌کند، حال آن‌که این روز با روز دوم خمسۀ مستترقه موافقت داشت.

۴. در عالم‌آرای شاه اسماعیل و جهانگشای خاقان نیز به برگزاری پنجه در طاحونه (فرح‌آباد بعدی) واقع در مازندران در زمان شاه اسماعیل اشاره شده است (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ص ۳۷۷؛ بیجن، ص ۳۸۵). این‌که مؤلف جهانگشای خاقان ایام خمسۀ را اول سرطان یاد کرده، نگارش متأخر این اثر را بازمی‌تاباند و متأثر از مطالب مورخان دوره شاه عباس است.

۵. برای اطلاع از مدارک بیشتر در ارتباط با تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران ن.ک: رضازاده ملک، یادداشت‌هایی درباره گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران، صص ۶۳-۷۶؛ رضازاده ملک، زیچ ملک، صص ۱۷۹-۱۸۴؛ رضازاده ملک، پژوهش تقویم‌های ایرانی، صص ۲۲۴-۲۴۰.

۶. یکسان دانستن تیرما سیزه با آبریزان / آبریزگان (کیا، واژه‌نامه طبری، ص ۲۴۸؛ رضازاده ملک، یادداشت‌هایی درباره گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران، ص ۸۴) نیز نادرست است. آبریزان - چنان‌که پیشتر گفته شد - تا نیمه نخست سده یازدهم هجری در آغاز تابستان برگزار می‌شد، و پس از آن در تیر روز از تیرماه برگزار می‌گردید. اما تیرماسیزه در سال سیار تقویم کرانه‌های ساحلی دریای مازندران در موضع فصلی معینی ثابت نبود.

۷. کریستوفورتی وابسته بودن مراسم آبتنی این‌چنینی به تقویم یزدگردی (با سال سیار) را دشوار می‌بینید و بیشتر احتمال می‌دهد این آبتنی نوعی مراسم ثابت در فصل تابستان بوده است (Cristoforetti, Forme "neopersiane" del calendario "zoroastriano" tra Iran e Transoxiana, p. 45, no. 21). اما چنان‌که منابع نشان می‌دهند آب‌بازی جزو مراسم پنجه سال سیار تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران بوده است. علت متروک شدن آن را هم باید نزدیک شدن پنجه به آغاز فصل بهار در یکی دو سده اخیر و نامناسب بودن موقعیت فصلی برای آب‌بازی دانست. تحولی مشابه در آب‌پاشی جشن تیرگان روی داده است که وابسته بودن آن به تقویمی با سال سیار و افتادن تیرگان در سده نهم هجری به فصل زمستان، موجب متروک شدن رسم آب‌پاشی آن شده است.

۸. در برخی از تحقیقات معاصر، رسم آب افشاندن پنجه به اشتباه با آبریزان آغاز تابستان یکی دانسته شده است؛ برای مثال: پاینده لنگرودی، آبریزگان و آخرین جشن آب‌پاشان در گیلان و دیلمستان، ص ۶.

۹. وحید قزوینی (ص ۱۸۲) در گزارش مختصر خود از این ماجرا، زمان روانه شدن شاه عباس به سوی رودسر را «بعد از انقضای ایام زمستان» ذکر کرده که دقیق نیست.

۱۰. ظاهراً ماه‌های قدیم به ماه‌های «گبری» نیز مشهور بوده‌اند؛ ن.ک: علامه، ص ۱۱۱. علی بن شمس‌الدین لاهیجی (ص ۳۶۹) که نگارش تاریخ خانی را در شرح وقایع چهل سال گیلان (۸۸۰-۹۲۰

- هق) در سال ۹۲۲ هجری به پایان برد، نوروز قدیم را «نوروز گبری» نامیده است. ن.ک: همچنین رضازاده ملک، پژوهش تقویم‌های ایرانی، صص ۲۳۵-۲۳۶.
۱۱. برای گونه‌های گویشی نام ماه‌های تقویم کرانه‌های جنوبی دریای مازندران ن.ک: رضازاده ملک، یادداشت‌هایی درباره گاهشماری سنتی ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران، صص ۶۷-۷۶ و برجیان، ص ۷۷.
۱۲. اعظمی سنگسری (جشن‌های ملی سنگسر، صص ۸۷، ۱۰۵) نوروز تقویم هجری شمسی را موافق با بیست‌ویکم اونه‌ما (آبان‌ماه) تقویم محلی ذکر می‌کند. در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۳ هجری شمسی، نوروز تقویم هجری شمسی با بیست و یکم آبان‌ماه تقویم محلی برابر بود.
۱۳. چنانچه اسناد ادعاشده از ناحیه آمل (ن.ک: یادداشت ۱۵) اصالت داشته باشد، انتقال پنجه و برابرکردن آن با پنج روز نخست فروردین‌ماه جلالی و هجری شمسی در خارج از ناحیه دیلمان نیز مصداق خواهد داشت.
۱۴. گالشان متأخر بودن این تحول را گوشزد کرده‌اند؛ ن.ک: مظفری، ورف‌نما، ص ۲.
۱۵. در سال‌های اخیر تعدادی سند، از قبیل مصالحه‌نامه و بیع‌نامه که ادعا می‌شود تاریخ تنظیم آنها مطابق «تقویم کیبسه‌دار باستانی طبرستان» است، به شیوه‌ای نه‌چندان مطلوب منتشر شده‌اند. از چند و چون این اسناد و محل نگهداری آنها آگاهی چندانی در دست نیست و تا زمان بررسی دقیق و انتشار مطلوب آنها نمی‌توان درباره اصالت آنها نظر قاطع داد. با فرض اصالت این اسناد، می‌توان گفت که همگی در ناحیه آمل و در دوره قاجار یا پهلوی تنظیم شده‌اند. چهار تا از آنها در تاریخ «۱۲ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۴۷، ۲۷ تیرماه قدیم» (ذبیحی، نشانه نجومی - تقویمی در گاهشماری‌های باستانی گیلان و مازندران، ص ۲۹۶)، «بیستم کرچماه قدیم فی ۲۷ شعبان سنه ۱۲۶۰» (ذبیحی، گاهشماری خراجی تپوری)، «دو کرچماه برابر با ۱۲ رمضان سال ۱۲۶۳ هجری»، «اول میرماه برابر ۱۲ جمادی‌الاول سال ۱۲۷۲ هجری» (ذبیحی، نشانه نجومی - تقویمی در گاهشماری‌های باستانی گیلان و مازندران، ص ۲۹۶) تنظیم شده‌اند. اینها، با فرض اصالت، مؤید تطابق تقویم قدیم (محلی) با تقویم جلالی (با دوازده ماه سی‌روزه و پنجه) هستند. پنجه تقویم قدیم را با پنج روز نخست فروردین‌ماه تقویم جلالی تطبیق داده‌اند. بدین ترتیب، روز نخست آذرماه قدیم با روز ششم فروردین‌ماه جلالی، روز نخست دی‌ماه قدیم با روز ششم اردیبهشت‌ماه جلالی، و... تطبیق می‌کند.
- مورد دیگر، مصالحه‌نامه‌ای است که در تاریخ «بیستم [در جای دیگر سند: بیست و یکم] فروردین‌ماه قدیم مطابق دهم جمادی‌الاولی فی سنه ۱۳۵۴» تنظیم شده است (هومند، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، ص ۷۵). ظاهراً تنظیم‌کننده سند در مورد تاریخ قدیم مطمئن نبوده است. دهم جمادی‌الاولی ۱۳۵۴ هجری قمری با ۱۸ مردادماه ۱۳۱۴ هجری شمسی مطابقت داشت. این سند با سندهای قبلی هماهنگ نیست و از تطابق پیش‌گفته پیروی نمی‌کند.
۱۶. ن.ک: ستوده، فرهنگ گیلکی، ذیل سیاما، دیرما، برف‌نما، اسفندیارما، نوروزما، آریه‌ما، تیرما، کورچه‌ما، مردال‌ما، شریما، امیرما و اول‌ما.
۱۷. با این حساب که بنا بر اظهار اعظمی سنگسری، اول بهار با ۲۱ آبان‌ماه برابر بوده است (گاهنمای سنگسری، ص ۲۴۸).

۱۸. کریستوفورتی، با ارجاع به وکیلان، مکان پنجه تقویم طالقان را پنج روز آخر فروردین ماه معرفی کرده و موقعیت پنجه را نتیجه جابه‌جایی آن در زمانی که اعتدال بهاری با اردیبهشت ماه برابر بوده، دانسته است (Cristoforetti, Kabisa, pp. 274-276). اما چنان‌که از آن مأخذ، و مأخذ دیگر (برای نمونه: ن.ک. میرابوالقاسمی، ص ۵۲) برمی‌آید، پنجه در طالقان در روزهای بیست و یکم تا بیست و پنجم فروردین ماه هجری شمسی برگزار می‌شده است.
۱۹. پنجه تقویم محلی که در برخی از مناطق استان کرمانشاه رایج بوده، در نواحی گوناگون از یکم تا بیستم فروردین ماه هجری شمسی برگزار می‌شده است (ظریفیان، ص ۸۰). در قلاجی منصوری اسلام‌آباد غرب در سال ۱۳۵۰ پنجه با روزهای هفتم تا یازدهم فروردین ماه برابر بود (همان، ص ۸۶).
۲۰. محاسبه مبدأ تقویم با در نظر گرفتن روزهای دوم و هفدهم مردادماه هجری شمسی به ترتیب به عنوان نوروز ثابت «تقویم مازندران» و «تقویم دیلم»، و با محاسبه سال‌های لازم برای انتقال نوروز سیار از این دو «نوروز ثابت» تا رسیدن به نقطه اعتدال بهاری در سال ۳۸۵ هجری شمسی (۳۷۵ یزدگردی) - آخرین تاریخی که نوروز سیار با اعتدال بهاری یکی شده - صورت گرفته است. مبدأ دیلمی برابر با سال ۴۲۷ میلادی و مبدأ مازندرانی برابر با سال ۴۸۹ میلادی محاسبه شده است (هومند، گاهشماری‌های ایرانی در پاسخ به فرانسوا دوبلوا، صص ۹۱، ۹۳).

منابع

- اعظمی سنگسری، چراغعلی، «گاهنمای سنگسری»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۵-۱۶، صص ۲۴۳-۲۵۲، ۱۳۴۷.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، «جشن‌های ملی سنگسر»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۷، صص ۸۷-۱۰۶، ۱۳۴۷.
- باقری، محمد، «مبحث تقویم در زیج جامع کوشیار»، تاریخ علم، شماره ۶، صص ۲۱-۶۷، ۱۳۸۷.
- برجیان، حبیب، «جشن‌های طبری در اسپبورد - شوراب»، نامه پارسی، سال دهم، شماره سوم، صص ۷۳-۷۸، ۱۳۸۴.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- بیجن (منسوب به)، جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)، با مقدمه الله دتا مضطر، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، تحقیق و تعلیق پرویز اذکابی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰.
- پاینده لنگرودی، محمود، آئینها و باورداشتهای گیل و دیلم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- پاینده لنگرودی، محمود، «آبریزگان و آخرین جشن آب‌پاشان در گیلان و دیلمستان»، گیله‌وا، شماره ۱، صص ۶-۸، ۱۳۷۱.
- پورکریم، هوشنگ، «مراسم عید نوروز و جشنهای باستانی در یکی از دهکده‌های مازندران»، هنر و مردم، شماره ۶۶، صص ۱۹-۲۷، ۱۳۴۷.

- پورکریم، هوشنگ، الاشت، زادگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۸.
- پورهادی، مسعود، گاه‌شماری گیلانی، رشت، فرهنگ ایلینا، ۱۳۸۸.
- ترکمان، اسکندربیک منشی. تاریخ عالم‌آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- تقی‌زاده، سید حسن، گاه‌شماری در ایران قدیم، زیر نظر ایرج افشار، تهران، شکوفان، ۱۳۵۷.
- تقی‌زاده، سید حسن. بیست مقاله تقی‌زاده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- جم، پدram، «آبریزگان و آدرجن؛ انقلابین و تقویم ساسانی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۶، شماره ۱، صص ۳۵-۵۳، ۱۳۹۵.
- ذبیحی، علی، «گاه‌شماری خراجی تیپوری»، ابختر، شماره ۷-۸، صص ۹۷-۱۰۹، ۱۳۸۳.
- ذبیحی، علی، «برگی از تاریخ گیلان»، گیلان‌نامه: مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، جلد هفتم، به کوشش م. پ. جکتاجی، رشت، گیلکان، صص ۶۵-۷۰، ۱۳۹۰.
- ذبیحی، علی، «نشانه‌ی نجومی - تقویمی در گاه‌شماری‌های باستانی گیلان و مازندران»، گنج‌نوشت: گفتارهایی در گستره‌ی فرهنگ بومی، ملی، به کوشش نصرالله هومند، آمل، طالب آملی، صص ۳۱۹-۳۲۸، ۱۳۹۳.
- رضازاده ملک، رحیم، «یادداشت‌هایی درباره گاه‌شماری سنتی ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران»، نقد و تحقیق (تاریخ و فرهنگ ایران)، دفتر سوم، تهران، سحر، صص ۵۷-۹۱، ۱۳۵۶.
- رضازاده ملک، رحیم، «تقویم مازندرانی (نقدی بر نوشته‌ای از عبدالرحمن عمادی)»، آینه، سال هفتم، شماره ۶، صص ۴۲۹-۴۴۰؛ شماره ۱۱-۱۲، صص ۸۲۴-۸۳۳، ۱۳۶۰.
- رضازاده ملک، رحیم، زیج ملک (استخراج و تطبیق تقویمها)، تهران، گلاب، ۱۳۸۰.
- رضازاده ملک، رحیم، در معرفت تقویم: استخراج و تطبیق تقویمها، جشنهای طلب برکت و خوشی و سعادت، تهران، گلاب، ۱۳۸۲.
- رضازاده ملک، رحیم، پژوهش تقویمهای ایرانی، تهران، گلاب، ۱۳۸۴.
- روح‌الامینی، محمود، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران، آگه، ۱۳۷۶.
- ستوده، منوچهر، فرهنگ گیلکی، تهران، انجمن ایران‌شناسی، ۱۳۳۲.
- ستوده، منوچهر، «لهجه علی‌آباد فریم»، فرهنگ ایران‌زمین، جلد ۱۰، صص ۴۳۷-۴۷۰، ۱۳۴۱.
- طاهباز، سیروس، یوش، تهران، معاصر، ۱۳۶۲.
- ظریفیان، محمود، «آداب و باورهای پنجه آخر سال در کرمانشاهان»، فرهنگ مردم، شماره ۱۷، صص ۷۹-۸۸، ۱۳۸۵.
- عالم‌آرای شاه اسماعیل، به تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- عباسی، هوشنگ، «نوروز بل»، فرهنگ مردم، شماره ۲۱-۲۲، صص ۱۴۳-۱۴۵، ۱۳۸۶.
- علامه، صمصام‌الدین، یادگار فرهنگ آمل، تهران، تابان، ۱۳۳۸.
- عمادی، عبدالرحمان، «واژه‌هایی از گاه‌شماری کهن دیلمی»، سومین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد اول، سی و چهار خطابه، به کوشش محمد روشن، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، صص ۵۸۹-۶۳۰، ۱۳۵۱.
- عمادی، عبدالرحمان، «جشن آفریجگان اصفهان»، یغما، شماره ۳۱۶، صص ۵۸۳-۵۹۰؛ شماره ۳۱۷، صص ۶۵۷-۶۶۱؛ شماره ۳۱۸، صص ۷۲۰-۷۲۳، ۱۳۵۳.

- عمادی، عبدالرحمان، «گاهشمارى كهن ديلى يا تقويم پيش از زردشتى»، *خطابه‌هاى نخستين كنگره تحقيقات ايرانى*، جلد ۳، به كوشش غلامرضا ستوده، تهران، دانشگاه تهران، صص ۳۲۵-۳۳۳، ۱۳۵۴.
- عمادی، عبدالرحمان، «گاهشمارى سنتى ساحل‌نشينان درى‌اى مازندران»، *آينده*، سال ششم، شماره ۹-۱۲، صص ۷۷۵-۷۸۲، ۱۳۵۹.
- عمادی، عبدالرحمان، «نوروز بل ديلى»، *فرهنگ مردم*، شماره ۳-۴، صص ۴۷-۵۵، ۱۳۸۱.
- فرض‌پور ماچيانى، مصطفى، «زبان و فرهنگ ماچيان»، *نشریه دانشكده ادبيات تبريز*، شماره ۷۰، صص ۲۷۷-۲۹۶، ۱۳۴۳.
- فلاح، نادعلی، «آيين پتك (پنجه اندرگاه)، كرچه ما و شيشك در مازندران»، *گيلان‌نامه: مجموعه مقالات گيلان‌شناسى*، جلد هفتم، به كوشش م. پ. جكتاجى، رشت، گيلكان، صص ۱۶۳-۱۷۲، ۱۳۹۰.
- فومنى، عبدالفتاح، *تاريخ گيلان*، به تصحيح منوچهر ستوده، تهران، بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۴۹.
- قاسم‌لو، فرید، *تقويم و تقويم‌نگارى*، تهران، كتاب مرجع، ۱۳۸۸.
- كيا، صادق، *واژه‌نامه طبرى*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷.
- كيا، صادق، «ماها»، *هنر و مردم*، شماره ۴۵-۴۶، صص ۲-۱۹، ۱۳۴۵.
- لاهيجى، على بن شمس‌الدين، *تاريخ خانى: شامل حوادث چهل ساله گيلان از ۱۱۸۰ تا ۹۲۰ قمرى*، به تصحيح منوچهر ستوده، تهران، بنياد فرهنگ ايران، ۱۳۵۲.
- مرعشى، ظهيرالدين، *تاريخ گيلان و ديلمستان*، به تصحيح منوچهر ستوده، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
- مرعشى، ميرتيمور، *تاريخ خاندان مرعشى مازندران*، به تصحيح منوچهر ستوده، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
- مظفرى، محمدولى، «ورف‌نما»، *دامون*، دوره دوم، شماره دوم، پانزدهم خردادماه، ص ۲، ۱۳۶۰.
- مظفرى، محمدولى، «تقويم گيلانى، يك زياد يا كيبسه»، *دامون*، دوره دوم، شماره سوم، پانزدهم تيرماه، ص ۲، ۱۳۶۰.
- مظفرى، محمدولى، «گاهشمارى گيلان»، *گيلان‌نامه: مجموعه مقالات گيلان‌شناسى*، جلد ۲، به كوشش م. پ. جكتاجى، رشت، طاعتى، صص ۳۹۷-۴۱۳، ۱۳۶۹.
- ملا مظفر گنابادى، ۱۲۶۰/۱۲۷۱/۱۲۷۴/۱۲۷۶/۱۲۸۲/۱۲۹۸، *شرح بيست باب ملا مظفر فى معرفه التقويم*، چاپ سنگى.
- ميرابوالقاسمى، سيد محمدتقى، «عاشوراي قديم و عاشوراي جديد بر اساس گاهشمارى سنتى ساكنان دامنه‌هاى شمالى و جنوبى البرز»، *گيله‌وا*، شماره ۴۴، صص ۵۲-۵۳، ۱۳۷۶.
- واله اصفهانى، محمدىوسف، *خلد برين، حديقۀ پنجم از روضۀ هشتم*، نسخه خطى ۲۵۳ كتابخانه مجلس شوراي اسلامى.
- وحيد قزوينى، محمدطاهر بن حسين، *تاريخ جهان‌آراى عباسى*، به تصحيح سيد سعيد ميرمحمدصادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى، ۱۳۸۳.
- وكيليان، سيد احمد، «پنجه پيتك يادگارى از جشن‌هاى نوروز در طالقان»، *مجموعه مقالات نخستين همایش نوروز*، تهران، پژوهشگاه سازمان ميراث فرهنگى کشور، صص ۲۶۹-۲۷۸، ۱۳۷۹.

هاشم بن نورالدین، خلاصه هاشمی در دانستن علم تقویم، بمبئی، ۱۳۱۳.
 هومند، نصرالله، گاهشماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و پژوهشی در بنیان گاهشماری‌های
 ایرانی همراه با تقویم باستانی تبری - دیلمی، آمل، ۱۳۷۵.
 هومند، نصرالله، «یادداشتی کوتاه درباره آغاز نوروز دیلمی و جشن تیرگان «تیرماه سیزده»»، گیله‌وا،
 شماره ۴۰-۴۱، صص ۱۰-۱۲، ۱۳۷۶.

هومند، نصرالله، گاهشماری‌های ایرانی در پاسخ به فرانسوا دوبلوا، آمل، طالب آملی، ۱۳۸۲.

Bagheri, Mohammad, *Books I and IV of Kūshyār ibn Labbān's Jāmi' Zīj: An Arabic Astronomical Handbook by an Eleventh-Century Iranian Scholar*.
 doctoral dissertation, University of Utrecht, 2006.

Cristoforetti, Simone, *Forme "neopersiane" del calendario "zoroastriano" tra Iran e Transoxiana*. *Eurasiatica* 64: Quaderni del
 Dipartimento di Studi Eurasiatici Università degli Studi Ca Forscari di
 Venezia, Grafiche Biesse, 2000.

Cristoforetti, Simone, "Kabisa". *Encyclopædia Iranica*, vol. XV. 274-
 276, 2009.

Cristoforetti, Simone. "Nowruz iii. In the Iranian Calendar".
Encyclopædia Iranica, online edition, available at
<http://www.iranicaonline.org/articles/nowruz-iii> (accessed on 19 May 2016).

Gray, Louis H., "Medieval Greek References to the Avestan Calendar".
 in *Avesta, Pahlavi and Ancient Persian Studies in Honor of P. B. Sanjana*.
 Strassburg: K. J. Trübner; Leipzig, O. Harrasowitz. 167-175, 1904.

Unvala, Manekji Rustomji. 1908. "A Few Parsee Festivals (Jashans)
 according to an Old Parsee Manuscript", in *Spiegel Memorial Volume*, ed. J.
 J. Modi. Bombay: British India Press, Byculla. 201-210.